

شرق روزنامه

زاویه باز

درباره نمایندگان علم و هنر ایران

شادی ناتقام اسکار ۲۰۱۷



پوریا ناظمی

ایرانیان اسکار سال ۱۳۹۵ را هرگز فراموش نمی‌کنند. در روزهایی که به زمان برگزاری مراسم اسکار ختم می‌شد، کم‌کم این باور بین منتقدان سینمایی به وجود آمده بود که اسکار امسال نیز در بخش فیلم خارجی، از آن «اصغر فرهادی» خواهد بود.

«فرهادی» که او را با فیلم «جدایی نادر از سیمین»، به‌عنوان نخستین ایرانی برنده جایزه اسکار می‌شناسیم، در حالی فیلمش روانه این رقابت شد که از ابتدا به آن به چشم یکی از نامزدهای نهایی و بخت کسب اسکار نگاه می‌کردند.

پس از آنکه دستور اجرایی رئیس‌جمهور آمریکا مبنی بر ممنوعیت موقت ورود شهروندان هفت کشور اعلام شد، ابتدا «ترانه علیدوستی»، بازیگر فیلم فروشنده و اندکی بعد «اصغر فرهادی»، کارگردان این فیلم، اعلام کردند که در همبستگی با مردمی از این هفت کشور که در موردشان تبعیض اعمال شده است، به اسکار نخواهند رفت. این تصمیم با استقبال نهادهای فعال در جهان مواجه شد. کارگردانان نامزد فیلم خارجی اسکار در بیانیه‌ای مشترک بار دیگر اقدام ترامپ را محکوم کردند و شهردار لندن در اقدامی نمادین در غروب شب اسکار، به اکران عمومی فیلم فروشنده در حضور صدها نفر از شهروندان لندن پرداخت.

«فرهادی» که یکی از بخت‌های اصلی کسب این جایزه بود، در غیاب خود، دو چهره ایرانی – آمریکایی را به‌عنوان نماینده خود در مراسم معرفی کرد. درحالی‌که تعداد زیادی از هنرمندان و دانشجویان رشته‌های مرتبط با سینما در این کشور حضور داشتند، او تصمیم گرفت نمایندگانش کسانی باشند که پیامی جنبی را نیز به مخاطبان منتقل کنند. او «اتوشه انصاری»، مهندس ایرانی‌تبار و نخستین فضاگردن زن تاریخ و دکتر «فیروز نادری»، مدیر علمی برجسته که سابقه مدیریت برنامهٔ مریخ در ناسا و همچنین مدیریت مأموریت‌های منظومه شمسی بخش کاوش‌های رباتیک ناسا (JPL) را برعهده داشته است، به نمایندگی خود انتخاب کرد. آن دو در مراسم حاضر شدند و پس از اعلام خبر شورانگیز کسب دومین اسکار «فرهادی»، برای دریافت جایزه و قرائت متن او روی صحنه رفتند. «فرهادی» در پیام خود به همبستگی‌اش با همهٔ آنهایی که تحت‌تاثیر این قانون قرار گرفته‌اند، اشاره کرد و برای دستیابی به جهانی بهتر، ابراز امیدواری کرد. در ادامه این مراسم و و گفت‌وگوی خبرنگاران با برندگان و در مورد «فرهادی» با نمایندگان او بود که این دو سعی کردند تا پیام «فرهادی» را رساتر به گوش مخاطبان برسانند. دکتر «فیروز نادری» به فعالیت هر دو آنها در حوزه فضا اشاره کرد و گفت: «وقتی از زمین دور می‌شوید، دیگر مرزی را نمی‌بینید و تنها چیزی که باقی است، کره‌ای زیبا و بدون مرز و محدوده است.»

واکنش‌های جهانی و داخلی به این جایزه، فوق‌العاده مثبت و خبرساز بودند. اکنون «فرهادی» و پیامش و همچنین کسانی که برای انتقال این پیام انتخاب کرده بود، وظیفه خویش را به بهترین شکل به انجام رسانده‌اند، اما به نظر قطعه‌ای از این داستان شورانگیز هنوز کامل نیست. «فرهادی» با کار بزرگ خود پیامی از جهان بدون مرز را به جهان منتقل کرده است. او برای این کار از دو چهره علمی و فناوری که از پیشگازان بخش فضایی به‌شمار می‌روند، استفاده کرد و به‌درستی علم را واسطه‌ای برای انتقال پیام خیرخواهانه خویش قرار داد. «اتوشه انصاری» و «فیروز نادری» اما تنها چهره‌های شناخته‌شده آمریکا نیستند. این دو چهره موفق ایرانی‌تبار از هر فرصتی برای معرفی چهره دیگر ایران بهره‌مند شده‌اند. در مصاحبه‌ای که اخیراً با «فیروز نادری» داشتیم، او اشاره می‌کرد زمان فرود مأموریت‌های دوقلوی مریخ‌نورد، فشار و بار اضافه‌تر از استرس‌های رایج حرفه‌ای را بر دوش خود احساس می‌کرده است چون می‌دانسته اگر موفق شود، تصویر ایرانیان را تغییر خواهد داد و به جامعه ایرانی و نام ایرانی‌تبارها در سراسر جهان اعتبار خواهد بخشید.

«اتوشه انصاری» که در همین مراسم با شالی‌که روی آن تصویر شهر زادگاهش، مشهد، از فضا طراحی شده بود، شرکت کرد، پس از بازگشت به زمین از ایستگاه فضایی تعریف می‌کرد که برای به‌همراه‌داشتن پرچم ایران در آن سفر با چالش‌هایی مواجه بوده است. اما به هر دلیلی، این دو که سفرای ایران در مهم‌ترین عرصه رسانه‌ای سال بودند، نتوانستند به ایران سفر کنند. دلایلی باعث شده است که آنها باوجود بی‌ثباتی مردم برای ملاقات با آنها و دلنگی طولانی که برای سفر به خانه و شهر خود دارند، از ایران دور باشند. به نظر آنچه می‌تواند داستان شوک‌همند اسکار امسال را تکمیل کند، شکستن این فضا، حداقل از سوی ماست که به سیاست‌های دولت «ترامپ» اعتراض می‌کنیم. به‌خصوص که در روزهای اخیر شاهد اتخاذ تصمیم‌هایی از سوی دولت و مجلس هستیم و تاکیدی که بر جذب چهره‌های سرشناس و دعوت از آنها برای سفر به ایران و کم‌کردن مشکلات آنها مطرح می‌شود. اکنون زمان و بهانه خوبی برای اقدامی این‌چنینی است. ای‌کاش نهادهای علمی و هنری ایران در اقدامی مشترک و با حمایت دولت، از این دو دعوت کنند تا با سفر به ایران، جایزه «فرهادی» را به ایران بیاورند و در مراسمی که این بار با حضور هنرمندان و دانشمندان ایرانی در خاک کشورمان برگزار می‌شود، سفیران «فرهادی» نه‌تنها اسکار او را به او برسانند که ما بتوانیم نه‌تنها از «فرهادی» هنرمند به دلیل همه آنچه برای رشد و اعتلای نام ایران کرده است، قدردانی کنیم که از «ناداری» و «انصاری» نیز به‌عنوان نمادها و شاخص‌هایی از چهره‌های موفق ایرانی‌تبار مقیم آمریکا قدردانی کرده و به‌طور نمادین، ایسن پیام را به دیگر ایرانی‌تبارهای موفق در سراسر جهان بدهیم که درها و افق‌اش ایران همیشه روی آنها باز است.



علی شریقی

نقش علم و هنر برای تقویت صلح جهانی در گفت‌وگوی اختصاصی «شرق» با دکتر «فیروز نادری»

هنر، مرزی نمی‌شناسد و با همه ارتباط برقرار می‌کند

سلیمان فرهادیان . زینب همتی

که مردم کشوری که او بی‌دلیل آنها را دشمن می‌خواند، هنری ستودنی دارند که همدلی‌ها را به زیبایی تصویر می‌کنند؛ اما «اصغر فرهادی» راه سوومی را در پیش گرفت و ضمن انتشار یادداشتی در نیویورک تایمز تأکید کرد که در مراسم اسکار شرکت نمی‌کند. او در این یادداشت گفت: «تندرها با وجود جنگ‌ها و دعواهای سیاسی‌شان در همه جای دنیا، بسیار شبیه به هم به جهان می‌نگرند» و تأکید کرد: «من از این طریق انزجار خود را از شرایط تحمیل‌شده ناعادلانه‌ای که برای ورود قانونی بعضی از هم‌وطنانم و همچنین مردم ششش کشور دیگر به ایالات متحده در حال اعمال است، ابراز می‌کنم و امیدوارم این شرایط منجر به شکاف بیشتر بین ملت‌ها نشود». درحالی‌که همه در خلسه سکرآور این راه‌حل شگفت‌انگیز بودیم، «اصغر فرهادی» غافلگیری‌اش را تکمیل کرد. او دو نفر از برجسته‌ترین ایرانیان مقیم آمریکا را که در حوزه علم و فناوری و تجارت نامدار هستند، به‌عنوان نمایندگان خود به مراسم اسکار فرستاد. «فیروز نادری» و «اتوشه انصاری» به شایستگی فرهنگ ایران را در یکی از مهم‌ترین مراسم‌های هنری جهان نمایندگی کردند. «فیروز نادری» از برجسته‌ترین مدیران ناسا بود که نقش مهمی در موفقیت‌های اخیر ناسا داشت. «اتوشه

من خوشحالم که فروشنده برنده اسکار شد. در نظر داشته باشید که الان آقای «فرهادی» یکی از چهار کارگردانی است که چندبار برنده این جایزه شده است. در بخش فیلم‌های خارجی، تا کنون چهار نفر جایزه گرفتند، آن سه نفر دیگر هم که غول‌های کارگردانی سینما هستند. اینگمار برگمن» (کارگردان سوئدی، سه بار)، «فدریکو فلینی» (کارگردان ایتالیایی، چهار بار) و «ووترو دسیکا» (کارگردان ایتالیایی دو بار) اسکار گرفتند. همه هنردوستان با اسم این سه نفر به‌خوبی آشنا هستند و اکنون هم آقای «اصغر فرهادی» با دوبار جایزه اسکار بهترین فیلم خارجی به این فهرست اضافه شده است.

آیا مردم آمریکا می‌توانند به‌درستی با این فیلم و پیام‌های آن ارتباط برقرار کنند؟

فیلم آقای «فرهادی» را ما با زیرنویس انگلیسی دیدیم، ولی من که زبان فارسی را می‌دانم، به صحبت‌های شخصیت‌ها گوش می‌دهم، ولی دیگران باید زیرنویس‌ها را بخوانند. من بعضی اوقات از خود می‌پرسم آیا این افرادی که این فیلم را دیده‌اند، می‌توانند متوجه تمام این نکات ریز و ظرافت‌های فیلم شوند؟ چون من خودم زبان فارسی را بلدم و با اجتماع ایران آشنا هستم، متوجه ظرایف فیلم می‌شوم. اما وقتی ایسن گفته‌ها و مکالمه‌ها را با زیرنویس فیلم مقایسه می‌کنم، از خودم می‌پرسم آیا افراد دیگری که فقط زیرنویس فیلم را می‌خوانند، متوجه این نکته‌ها و ظرایف فیلم می‌شوند؟

به باور من علم و به‌ویژه فناوری نقش زیادی در نزدیکی مردم و تقویت صلح و دوستی دارد؛ به‌ویژه از زمانی که با توسعه فناوری‌های جدید، برقراری ارتباط بین مردم نیز ساده شده است. این نقش علم نیز پررنگ‌تر شده است. امروزه اطلاعات فقط از شبکه‌های دولتی به ما نمی‌رسد، بلکه وجود این ارتباطات باعث شده است ما خیلی زود باخبر شویم که در کشورهای دیگر چه می‌گذرد

برخی در ایران به «اصغر فرهادی» و دیگر کارگردان‌هایی که فیلم هنری می‌سازند، انتقاد می‌کنند که آنها فیلم‌هایی می‌سازند که جنبه ناخوشایندی از زندگی در ایران مانند فقر را نشان می‌دهد که این برای وجهه بین‌المللی ایران بد است. آنها می‌گویند ما نباید در فیلمی که می‌سازیم، نقطه‌ضعف خودمان را نشان دهیم؛ چون باعث می‌شود نظر مردم کشورهای دیگر درباره ما منفی شود. اکنون از شما می‌پرسم کسانی که این فیلم را دیدند، نظر منفی به مردم ایران پیدا کردند؟ یا نظرشان درباره ایران و مردم این سرزمین، خوب و مثبت شد؟

اگر موضوع پروپاگاندا و تبلیغات رسانه‌ای مطرح باشد، باید کارگردانی را پیدا کنند و به او دستور بدهند که فیلم پرزرق‌وبرقی بسازد و آن را به عنوان یک فیلم تجاری نشان دهند. اما کاری که آقای «فرهادی» می‌کند این است که لایه‌های ظریف و پنهان را نمایش می‌دهد. هنرمند باید نوری روی جامعه بیندازد. اگر جامعه‌ای نقص‌هایی دارد، این کار هنرمند است که در این زمینه روشنگری یا آنها را بازگو کند. من فکر می‌کنم مردم اینجا هم به اجتماعی‌بودن فیلم‌های ایشان علاقه‌مند هستند و از این زاویه به فیلم‌های او نگاه می‌کنند؛ به‌ویژه درباره فیلم «فروشنده» نمی‌دانم چه نقطه سیاهی در آن بود؟ چراکه این اتفاق در هر کشور دیگری هم ممکن بود روی دهد. در خود آمریکا هم این موضوعات مطرح است؛ بنابراین فرق می‌کند که کسی می‌خواهد یک اثر هنری نشان دهد یا اینکه می‌خواهد پروپاگاندا بکند. پروپاگاندا و اثر هنری، دو چیز متفاوت‌اند. **وقتی فیلمی از ایران در آمریکا به نمایش درمی‌آید و اسکار می‌گیرد، آیا به نظر شما می‌تواند روابط انسانی را تقویت کند؛ به‌طوری‌که امیدوار باشیم در آینده، جنگ و خون‌ریزی و دشمنی بین ملت‌ها کمتر شود؟**

دولت‌ها ممکن است به دلایل مختلفی با یکدیگر ستیزه‌جویی کنند. ولی ملت‌ها (در هر کجای جهان که باشند)، خواست‌شان یکی است، به باور من، هنر و ورزش می‌تواند پلی باشد برای نزدیک‌ترکردن روابط بین دو ملت بدون اینکه وارد ماجراهای سیاسی دو دولت شویم. مدتی قبل تیم کشتی آمریکا، به ایران رفت. انعکاسی که اخبار این ورزش در اینجا داشت این بود که مردم ایران که ورزش‌دوست هستند، همان مقدار که تیم ایران را تشویق کردند، تیم آمریکا را هم تشویق کردند. بنابراین، وقتی که وارد خط اجتماعی و هنری و ورزشی می‌شویم، این اختلافات سیاسی تا حدودی از بین می‌رود؛ بنابراین، فکری می‌کنم که راه خوبی است که به وسیله آن، دو ملت را به هم نزدیک کنیم.

اگر قرار باشد شما ایران را برای همکاران‌تان معرفی کنید، به چه ویژگی‌های مهم ایران و مردم آن اشاره می‌کنید؟

من حدود ۵۰ سال است که در آمریکا زندگی می‌کنم و نزدیک ۴۰ سال گذشته هم در ایران نبودم. من با دوستان آمریکایی خودم، معمولاً درباره تاریخ و تمدن ایران صحبت می‌کنسم. من توضیح می‌دهم دو هزار سال پیش چه جایگاهی داشتیم و بعدها، در زمینه‌های علمی مانند نجوم نیز دستاوردهای مهمی داشتیم و به پیشرفت علوم کمک کردیم. توصیف ایران را در دستاوردهای علمی و فرهنگی ایران برای افراد خارجی مشکل نیست، فقط بعضی وقت‌ها باید از واقعیت و وضع موجود فاصله گرفت. باید در نظر داشت که تاریخ ۵۰ سال و صد سال نیست، بلکه باید بیشتر به عقب برگشت تا فاصله زمانی بیشتری مد نظر ما قرار گیرد. به باور من با توجه به تمدن غنی و گسترده‌ای که ایران دارد، توصیف ایران برای آمریکایی‌ها دشوار نیست. **در صحبت‌های‌تان گفتید ورزش و هنر نقش زیادی در افزایش صلح و دوستی بین ملت‌ها دارد و باعث کاهش خصومت می‌شود. برخی از دانشمندان هم بر این باورند که علم هم تا حدود زیادی چنین نقشی دارد و به‌ویژه در سال‌های اخیر این نقش علم پررنگ‌تر هم شده است. نظر شما چیست؟**

به باور من علم و به‌ویژه فناوری نقش زیادی در نزدیکی مردم و تقویت صلح و دوستی دارد؛ به‌ویژه از زمانی که با توسعه فناوری‌های جدید، برقراری ارتباط بین مردم نیز ساده شده است. این نقش علم نیز پررنگ‌تر شده است. امروزه اطلاعات فقط از شبکه‌های دولتی به ما نمی‌رسد، بلکه وجود این ارتباطات باعث شده است ما خیلی زود باخبر شویم که در کشورهای دیگر چه می‌گذرد. **آقای «ترامپ» به‌تازگی قانونی وضع کرده است که طبق آن ورود اتباع چند کشور، از جمله ایران به آمریکا محدود می‌شود. نظر‌تان درباره این قانون چیست؟**

در ایسن زمینه نگرانی من به‌ویژه، درباره دانشجویان ایرانی است؛ چون بهترین دانشگاه‌های آمریکا مثل ام‌آی‌تی (مؤسسه فناوری ماساچوست) و استنفورد برای دانشجویانی که به اینجا می‌آیند و تحصیل می‌کنند، سر و دست می‌شکنند؛ چون دانشجویان ایرانی بسیار بااستعداد هستند. وقتی که این دانشجویان به آمریکا می‌آیند، از دو حال خارج نیست؛ یا پس از اتمام تحصیل در آمریکا می‌مانند که این به نفع آمریکاست یا اینکه به ایران برمی‌گردند که در این حالت هم دستاوردهای جدید علم و دانش را به کشور خود منتقل می‌کنند. چیزی که الان من را بیش از همه ناراحت می‌کند، این است که آمدن دانشجویان ایرانی به آمریکا سخت شده است و از آن مهم‌تر، برخی از دانشجویان در نیمه راه تحصیل، برای دیدار با خانواده خود به ایران رفتند و الان برای برگشت دچار مشکل شدند که این موارد ناراحت‌کننده است. چیزی که بیش از همه من را ناراحت می‌کند، محدودیت‌هایی است که این قانون برای دانشجویان به وجود آورده است که ان‌شاءالله رفع می‌شود.

«اصغر فرهادی» که سال ۲۰۱۲ با فیلم «جدایی نادر از سیمین» جایزه اسکار بهترین فیلم غیرانگلیسی‌زبان را دریافت کرد و اولین اسکار را برای کشور به ارمغان آورد، سال جاری میلادی (اسفند ۹۵) نیز توانست بار دیگر با «فروشنده» این موفقیت را تکرار و اسکار دیگری را تصاحب کند. اکنون «اصغر فرهادی» از معدود افرادی است که چند اسکار گرفته‌اند؛ اما از زمان ساخت و تولید فیلم تا امروز، آن قدر حاشیه این فیلم را فرا گرفته که دریافت اسکار آخرین چیزی است که به ذهن می‌رسد. از زمان نمایش فیلم، بسیاری به تهیه‌کننده این فیلم و همچنین موضوع آن ایراد گرفتند؛ اما ماجرا زمانی پیچیده‌تر شد که «ترامپ» سفر اتباع چند کشور مسلمان ازجمله ایران به آمریکا را ممنوع کرد. در آن هنگام منتقدان فیلم (که بیشتر منتقدان دیدگاه‌های اجتماعی شخص فرهادی هستند)، گفتند «اصغر فرهادی» باید برای مخالفت با وضع این قانون و حمایت از هم‌وطنانش، فیلم را از رقابت اسکار خارج کند؛ اما طرفداران فیلم که نمی‌خواستند به همین راحتی بخت تصاحب اسکار دیگر را از دست دهند، قاطعانه می‌گفتند «فرهادی» نباید فیلمش را از اسکار بیرون بکشد و با عرضه هنرش در مجامع بین‌المللی، باید با «ترامپ» مقابله کند و در عمل نشان دهد برسد.

آرزیایی خود شما چیست؟

شاید دلایلش این باشد که ما هم در آمریکا افرادی شناخته‌شده هستیم و هم در ایران. به‌تازگی آقای «ترامپ» قانونی درباره منع سفر شهروندان چند کشور ازجمله ایران وضع کرده است. شاید آقای «فرهادی» می‌خواست با این کارش بگوید افرادی که به آمریکا مهاجرت می‌کنند، افراد تأثیرگذاری برای جامعه آمریکا هستند. از طرف دیگر من در برنامه اسکار هم گفتم که ما نسبت به کره زمین نظر و دیدگاه دیگری داریم. هنگامی که از فضا و بیرون از جو زمین، به زمین نگاه می‌کنیم، احساس زمین را می‌بینیم. وقتی از فضا به زمین نگاه می‌کنیم، خط و مرزها و جنگ‌ها به چشم نمی‌آید و تفاوت‌ها دیده نمی‌شود. شاید نظر آقای «فرهادی» نیز چنین چیزی بود یا شاید هم دلیل دیگری داشت که خودش بهتر می‌تواند توضیح دهد.

واکنش مردم و جامعه هنری به حضور دو نفر از بخش علم و فناوری در مراسم هنری چگونه بود؟

واکنش‌ها و بازتاب‌ها بسیار عالی بود. بازتاب سخنان در اتاق رسانه و گفت‌وگو با خبرنگاران بسیار عالی بود. من چند دقیقه‌ای درباره دید انسان از فضا به کره زمین صحبت کردم که انعکاس بسیار خوبی داشت. **ارتباط شما با هنر به چه صورتی است؟ آیا شما با هنرهایی مانند سینما، موسیقی و شعر هم ارتباط دارید؟**

بله، من تا حدودی با هنر و به‌ویژه سینما ارتباط دارم. من به انواع هنرها علاقه دارم. اصولاً هنر مرزی نمی‌شناسد و با همه ارتباط برقرار می‌کند.

شما این فیلم را دیدید؟

بله، من این فیلم را اینجا دیدم، ولی حتی قبل از اینکه این فیلم در سینماها اکران شود، هم دیده بودم. یکی، دو ماه قبل، آقای «فرهادی» به آمریکا آمده بودند و این فیلم را در سینمایی در دانشگاه «UCLA» به مدت دو شب نمایش دادند. بعد از نمایش فیلم، خود آقای «فرهادی» هم بالای سن رفت و درباره این فیلم توضیحاتی ارائه کرد. البته در این برنامه یکی،دو هزار نفر بودند و من ایشان را از نزدیک ندیدم.

نظراتان درباره این فیلم چیست؟

من از این فیلم بسیار خوشم آمد. فیلم «جدایی» که پنج سال پیش جایزه اسکار را دریافت کرد، یکی از بهترین فیلم‌هایی است که من دیدم. همچنین این فیلم هم بسیار بسیار خوب بود و شایسته بود که برنده جایزه اسکار شود.

یک برخی می‌گویند وضع قانون منع سفر اتباع هفت کشور باعث شده «فروشنده» اسکار بگیرد. نظر شما چیست؟

بله، در این مورد جریان کمی سیاسی شده بود، ولی در نظر داشته باشید که فیلم آقای «فرهادی»، چهار، پنج ماه پیش و قبل از اینکه آقای «ترامپ» رئیس‌جمهور شود، نامزد شد و پیش از آن هم در جشنواره فیلم کن، جایزه‌های بسیاری دریافت کرد و بسیار پیش از اینکه «ترامپ» بر سر کار بیاید و ممنوعیت سفر و موضوعاتی از این دست پیش بیاید، این فیلم نامزد اسکار شد؛ بنابراین به نظر من، این فیلم بسیار زیبا و شایسته این جایزه هم بود.

آ از اینکه فروشنده برنده شد، چه حسی دارید؟